

موهاي سفيد ما

هنوز خيلي مانده تا موهايش سفيد شود. نشسته روبهروي چند مرد بزرگتر از خودش که دارند درباره گمشدههاي زندگيشان حرف ميزنند. گمشدگاني که انگار همه دارند. ماجراي گمشده ناصر که پنجاه و پنج سالي دارد از همه جذابتر است. آنقدر جذاب است که يکي ميگويد کاش يکي مثل محمود دولتآبادي اين ماجرا را تبديل به رمان کند. خيال ميکند در آن صورت تبديل به کلیدري ديگر ميشود. کلیدري که اينبار به جاي خراسان در سيستان و بلوچستان ميگذرد. البته در آن نه از مارال خبري هست و نه از زيور! گل محمدي هم نيست تا ظلم را طاقت نياورد و اسلحه به دست بگيرد و به کوه بزند.

زناني که ناصر از آنها در کنار گمشدهاش ياد ميکند مثل مارال حال و هواي زنان ايران جديد را ندارند. جسور و سرکش نيستند. بيشتر قرباني شرايط و مطيع مردانشان هستند. نميتوان گفت زن ايراني آن سالها (اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه) جسور نبودهاند.

درست که نگاه کنيم زن ايراني در همه زمانها جسارت و مهر را با هم داشته. منتها هميشه جسور در سايه و مهرورز پنهان بوده. شايد به خاطر حرف مردم! جوان که هنوز موهايش سفيد نشده شايد را هم نميگويد. حرف مردم برايش خيلي خيلي اثر گذار است. وقتي ناصر تعريف ميکند که در آن سالها، عموي سي و هشت ساله اش که عقل درست و حسابي نداشته اما زور و مهربانيش زياد بوده يكباره ميگذارد و ميرود، پدرش وقتي به خانه بر ميگردد و زنش (مادر ناصر) که قرار بوده نگهدار عمو باشد به شوهرش خبر ميدهد که چه اتفاقي افتاده، مرد اولش مکدر ميشود، اما خشمش را ميخورد. اما بعد که پاي حرف مردم مينشيند که همه زن را مقصر ميدانند، زن را طلاق ميدهد و در حالي که اشک به چشم دارد دور شدن او را وقت برگشتن به خانه پدرش نگاه ميکند.

ناصر که از گمشدهاش ميگويد جوان جذب شده و مدام ميگويد چه جالب، اما وقتي ناصر از نقش مردم در ماجراي مردم ميگويد انگار که بارها به نقش مردم در زندگي ديگران فکر کرده باشد با اطمینان کامل ميگويد موهاي سفيد ما به خاطر حرف مردم است! ديگران باشنيدن اين حرف به او نگاه ميکنند و ناصر سري به علامت تايبید تکان ميدهد. انگار با اين تايبید ميخواهد بگويد زخم گم شدن عزيزاني که دوست

داریم با حرف دیگران دردش بیشتر میشود. شاید بعد از آن دور همی اگر کسی از آن پنج نفر (يك پسر جوان و چهار مرد پا به سن گذاشته) بپرسد موی آدم‌ها را چه چیزی سفید میکند، بگویند: حرف مردم!

*حسن لطفی

بیش تر از «حسن لطفی» بخوانیم

-با بان شب سیه

-حذف ستاره ها